





دانشگاه کردستان
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه علوم تربیتی

عنوان:

بررسی راهکارهای تقویت ارتباط آموزش عالی و بازار کار: مطالعه موردی
دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه کردستان

پژوهشگر:

زهرا سالاروند

استاد راهنما:

دکتر نعمت اله عزیزی

استاد مشاور:

دکتر محمد امجد زبردست

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم تربیتی گرایش برنامه ریزی آموزشی

شهریور ماه ۱۳۹۱

کلیه حقوق مادی و معنوی مترتب بر نتایج مطالعات،

ابتکارات و نوآوریهای ناشی از تحقیق موضوع

این پایان نامه (رساله) متعلق به دانشگاه کردستان است.

*****تعهد نامه*****

اینجانب زهرا سالاروند دانشجوی کارشناسی ارشد رشته علوم تربیتی گرایش برنامه ریزی آموزشی دانشگاه کردستان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی گروه علوم تربیتی تعهد می‌نمایم که محتوای این پایان نامه نتیجه تلاش و تحقیقات خود بوده و از جایی کپی برداری نشده و به پایان رسانیدن آن نتیجه تلاش و مطالعات مستمر اینجانب و راهنمایی و مشاوره اساتید بوده است.

با تقدیم احترام

زهرا سالاروند

۱۳۹۱/۶/۲۵

این پایان نامه را ضمن تشکر و سپاس بیکران و در کمال افتخار و امتنان تقدیم می نمایم به:

روح پاک پدرم،

او که عالمانه به من آموخت تا چگونه در عرصه زندگی، ایستادگی را تجربه نمایم؛

مادر مهربانم،

دریای بی کران فداکاری و عشق که وجودم برایش همه رنج بود و وجودش برایم همه مهر؛

خواهر و برادر عزیزم،

که وجودشان شادی بخش و صفایشان مایه آرامش من است؛

و به استاد راهنمای بزرگوارم، دکتر نعمت اله عزیزی

" معلما، مقامت ز عرش برتر باد همیشه توسن اندیشه ات مظفر باد "

تقدیر و تشکر

سپاس بی کران پروردگار یکتا را که هستی مان بخشید و به طریق علم و دانش رهنمونمان شد و به همنشینی رهروان علم و دانش مفتخرمان نمود و خوشه چینی از علم و معرفت را روزیمان ساخت.

از آنجایی که تجلیل از معلم، سپاس از انسانی است که هدف و غایت آفرینش را تامین می کند و سلامت امانت هایی را که به دستش سپرده اند، تضمین؛ بر حسب وظیفه و از باب " من لم یشکر

المنعم من المخلوقین لم یشکر الله عزّ و جلّ: "

از استاد صبور و با تقوا؛ جناب آقای دکتر نعمت اله عزیزی که در کمال سعه صدر، با حسن خلق و فروتنی، از هیچ کمکی در این عرصه بر من دریغ نمودند و زحمت راهنمایی این رساله را بر عهده

گرفتند؛

از استاد ارجمند و شایسته، جناب آقای دکتر محمد امجد زبردست، که زحمت مشاوره این رساله را

متقبل شدند؛

و از استاد بزرگوار؛ جناب آقای دکتر مصطفی قادری، که زحمت داوری این رساله را متقبل شدند؛

کمال تشکر و قدردانی را دارم. باشد که این خردترین، بخشی از زحمات آنان را سپاس گوید .

در پایان از پشتیبانی ها و دلگرمی های برادر عزیزم جناب آقای میلاد سالاروند که امید و یاور من در لحظه لحظه زندگیست و دوستان عزیزم خانمها زهره قلاوند و سارا فهیمی کیا به پاس زحمات بی

شائبه شان، نهایت سپاس را دارم. "شمع وجود شان همیشه روشن باد"

چکیده

در این تحقیق از روش مطالعه کمی (توصیفی-پیمایشی) و کیفی (مصاحبه) با انجام یک مطالعه موردی بر روی دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه کردستان و همچنین اساتید مربوطه و مدیران مراکز تولیدی شهر سنندج استفاده شده است. نمونه آماری با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای ۱۹۶ نفر برای دانشجویان، برای نمونه گیری از اساتید و مدیران مراکز تولیدی با استفاده از روش نمونه گیری نظری هدفمند ۶ نفر از اساتید و ۴ نفر از مدیران مراکز تولیدی انتخاب گردید. ابزار جمع آوری داده ها پرسشنامه محقق ساخته و مصاحبه نیمه ساختمند بود. روایی پرسشنامه از طریق روش روایی صوری محتوایی و توسط گروهی از متخصصان مربوطه مورد بررسی قرار گرفت و با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ مورد آزمون مقدماتی قرار گرفت و ضریب به دست آمده ۰.۹۴٪ محاسبه گردید. به منظور تجزیه و تحلیل داده های حاصل از پرسشنامه از میانگین، انحراف استاندارد، مستقل، تحلیل واریانس یکراهه، آزمون فریدمن، یومان ویتنی، کروسکال-والیس و برای تحلیل یافته های حاصل از مصاحبه از تحلیل محتوا استفاده شده است. یافته های پژوهش نشان داد: از نظر دانشجویان، برای تقویت ارتباط میان نظام آموزش عالی و بازارکار علوم انسانی از بعد سیاستگذاری آموزشی، ایجاد ارتباط و هماهنگی میان برنامه ریزی نیروی انسانی در بخش اشتغال و برنامه ریزی آموزشی، از بعد مدیریتی-اجرایی، اطلاع رسانی درست و به موقع در زمینه وضعیت اشتغال رشته های مختلف تحصیلی به تصمیم گیران آموزشی و از بعد آموزشی، متناسب، روزآمد و کارآمد و کامل بودن محتوای کتب درسی با نیازمندی های بازارکار، بالاترین اولویت را دارند. همچنین از نظر اساتید و مدیران مراکز تولیدی باید بین نظام آموزش عالی و مسئولین اشتغال کشور یک هماهنگی برقرار شود تا بر اساس نیازسنجی های صورت گرفته برنامه ریزی شود که می توان گفت نظرات آنان با نظرات و دیدگاههای دانشجویان یکسو و هماهنگ است. در این تحقیق، از جمله مهم ترین راهکارهایی که در جهت بهبود وضعیت اشتغال دانش آموختگان علوم انسانی به دست آمد عبارت بودند از: راهکار اصلاح سیاستگذاری و مدیریت آموزش عالی، راهکار بهبود برنامه ریزی و رشته های تحصیلی، راهکار تقویت تعامل دوجانبه دانشگاه و بازارکار، راهکار ارتقاء منابع و امکانات آموزشی، راهکار بهبود شیوه اجرایی آموزش و تدریس در دانشگاه.

واژگان کلیدی: آموزش عالی، بازارکار، اشتغال، علوم انسانی، راهکار

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

۱	فصل اول: کلیات تحقیق.....
۲	۱-۱- مقدمه.....
۳	۲-۱- بیان مسأله پژوهشی.....
۷	۳-۱- اهمیت تحقیق.....
۷	۴-۱- اهداف تحقیق.....
۸	۵-۱- سؤالات تحقیق.....
۸	۶-۱- تعریف عملیاتی متغیرهای تحقیق.....
۱۰	فصل دوم: ادبیات موضوع و پیشینه تحقیق.....
۱۲	۱-۲- مقدمه.....
۱۲	۲-۲- تاریخچه ارتباط صنعت و دانشگاه در ایران.....
۱۳	۳-۲- ضرورت ارتباط سه عامل دولت، دانشگاه و صنعت.....
۱۴	۴-۲- شرایط مطلوب ارتباط دانشگاه و صنعت.....
۱۵	۵-۲- وضعیت ارتباط دانشگاه و صنعت در ایران.....
۱۵	۶-۲- وضعیت ارتباط دانشگاه با صنعت در کشورهای مختلف جهان.....
۱۷	۷-۲- آموزش عالی.....
۱۸	۲-۷-۱- رویکردهای مؤثر بر پیدایش جریانهای مختلف آموزش عالی.....

- ۱۹-۲-۷-۲- آموزش عالی و عرضه نیروی انسانی متخصص.....
- ۲۰-۸-۲- رابطه میان آموزش و اشتغال.....
- ۲۲-۹-۲- بازارکار و بازارکار دارای آموزش عالی.....
- ۲۴-۹-۲- تحولات جمعیت و بازارکار ایران.....
- ۲۴-۹-۲- مشکلات بازارکار ایران.....
- ۲۵-۱۰-۲- بررسی چالشها و مشکلات نظام آموزش آموزش عالی ایران.....
- ۲۹-۱۰-۲- جنبه هایی از مشکل اشتغال دانش آموختگان دانشگاههای کشور.....
- ۳۰-۱۰-۲- فضای کسب و کار و اشتغال دانش آموختگان.....
- ۳۰-۱۱-۲- نگرشی بر مسئله بیکاری فارغ التحصیلان آموزش عالی.....
- ۳۲-۱۱-۲- علل بیکاری تحصیلکردگان از منظری دیگر.....
- ۳۳-۱۱-۲- زمینه های بروز بیکاری فارغ التحصیلان آموزش عالی.....
- ۳۶-۱۲-۲- جایگاه علوم انسانی در نظام دانشگاهی کشورهای توسعه یافته.....
- ۳۷-۱۳-۲- مسئله اشتغال فارغ التحصیلان در حوزه علوم انسانی.....
- ۳۸-۱۴-۲- چالشهای علوم انسانی.....
- ۳۸-۱۴-۲- روشن نبودن آینده شغلی و بی ارتباطی این رشته ها به واقعیات زندگی.....
- ۳۸-۱۴-۲- بی ارتباط بودن محتوای دوره های تحصیلی با نیازها و مقتضیات بازارکار.....
- ۳۹-۱۵-۲- راههای اصلاح و بهبود کیفیت و برون رفت از وضعیت فعلی.....
- ۴۳-۱۶-۲- پیشینه پژوهشی.....
- ۴۴-۱۶-۲- تحقیقات انجام شده در داخل کشور.....

- ۲-۱۶-۲- پیشینه تحقیقاتی مسأله در خارج از کشور..... ۴۶
- نتیجه گیری..... ۴۸
- فصل سوم: روش تحقیق..... ۵۰
- ۱-۳- مقدمه..... ۵۱
- ۲-۳- روش تحقیق..... ۵۱
- ۳-۳- جامعه آماری و نمونه..... ۵۲
- ۴-۳- برآورد حجم نمونه..... ۵۶
- ۵-۳- روش نمونه گیری..... ۵۲
- ۶-۳- روش جمع آوری داده ها..... ۵۳
- ۷-۳- پایایی و روایی پرسشنامه..... ۵۳
- ۱-۷-۳- روایی پرسشنامه..... ۵۳
- ۲-۷-۳- پایایی پرسشنامه..... ۵۳
- ۳-۷-۳- مصاحبه..... ۵۴
- ۸-۳- روش های تجزیه و تحلیل آماری..... ۵۵
- فصل چهارم: تجزیه و تحلیل داده ها..... ۵۶
- ۱-۴- مقدمه..... ۵۷
- ۲-۴- توصیف ویژگی های پاسخگویان..... ۵۷
- ۳-۴- یافته های اصلی حاصل از پرسشنامه: سؤالات اصلی پژوهش..... ۶۱

۶-۴- یافته های اصلی حاصل از پرسشنامه: سؤالات اصلی پژوهش در ارتباط با متغیر جمعیت شناسی.....	۶۴
۴-۵- یافته های حاصل از مصاحبه.....	۷۸
فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری.....	۸۵
۵-۱- خلاصه تحقیق و بحث.....	۸۶
۵-۲- یافته های تحلیلی.....	۸۸
۵-۳- بحث و نتیجه گیری.....	۹۲
۵-۴- پیشنهادات کاربردی.....	۹۴
۵-۵- پیشنهادات جهت تحقیقات آتی.....	۹۵
۵-۶- محدودیت های تحقیق.....	۹۵
منابع فارسی.....	۹۶
منابع انگلیسی.....	۱۰۴
پیوست.....	۱۰۶

فهرست جدول ها

عنوان	صفحه
جدول ۱-۳ پایایی ابعاد پرسشنامه و سؤالات مربوط به هر کدام.....	۵۴
جدول ۱-۴ توزیع نمونه آماری دانشجویان بر حسب جنسیت.....	۵۸
جدول ۲-۴ توزیع نمونه آماری دانشجویان بر حسب سال ورود.....	۵۸
جدول ۳-۴ توزیع نمونه آماری دانشجویان بر حسب معدل تحصیلی.....	۵۹
جدول ۴-۴ توزیع نمونه آماری دانشجویان بر حسب رشته تحصیلی.....	۶۴
جدول ۴-۵- اولویت بندی نظرات دانشجویان در مورد راهکارهای تقویت ارتباط نظام آموزش عالی و بازارکار از بعد سیاستگذاری آموزشی.....	۶۱
جدول ۴-۶- اولویت بندی نظرات دانشجویان در مورد راهکارهای تقویت ارتباط نظام آموزش عالی و بازارکار از بعد مدیریتی- اجرایی.....	۶۲
جدول ۴-۷- اولویت بندی نظرات دانشجویان در مورد راهکارهای تقویت ارتباط نظام آموزش عالی و بازارکار از بعد آموزشی.....	۶۳
جدول ۴-۸- نتایج آزمون کولموگراف- اسمیرنف در خصوص خرده مقیاس های ده گانه چالش و ارتباط آموزش عالی و بازارکار.....	۶۴
جدول ۴-۹- میزان نظرات دانشجویان نسبت به چالش های ارتباط آموزش عالی و بازارکار.....	۶۵
جدول ۴-۱۰- مقایسه و رتبه بندی خرده مقیاس های چالش ارتباط آموزش عالی و بازارکار از دید دانشجویان بر اساس آزمون فریدمن.....	۶۵
جدول ۴-۱۱- میزان نظرات دانشجویان نسبت به راهکارهای تقویت ارتباط آموزش عالی و بازارکار.....	۶۶

- جدول ۴-۱۲ مقایسه و رتبه بندی خرده مقیاس های راهکار تقویت ارتباط آموزش عالی و بازارکار از دید دانشجویان بر اساس آزمون فریدمن.....۶۷
- جدول ۴-۱۳ میزان نگرش دانشجویان نسبت به راهکارهای ارتباط آموزش عالی و بازارکار به لحاظ جنسیت.....۶۷
- جدول ۴-۱۴ میزان نگرش دانشجویان نسبت به چالش ها و راهکارهای ارتباط آموزش عالی و بازارکار به لحاظ جنسیت بر اساس آزمون یومان ویتنی.....۶۸
- جدول ۴-۱۵ میزان نگرش دانشجویان نسبت به راهکارهای ارتباط آموزش عالی و بازارکار به لحاظ رشته تحصیلی بر اساس آزمون آنووا.....۶۹
- جدول ۴-۱۶ میزان نگرش دانشجویان نسبت به چالش ها و راهکارهای ارتباط آموزش عالی و بازارکار به لحاظ رشته تحصیلی بر اساس آزمون کروسکال والیس.....۷۰
- جدول ۴-۱۷ میزان نگرش دانشجویان نسبت به راهکارهای ارتباط آموزش عالی و بازارکار به لحاظ سال تحصیلی بر اساس آزمون آنووا.....۷۳
- جدول ۴-۱۸ میزان نگرش دانشجویان نسبت به چالش ها و راهکارهای ارتباط آموزش عالی و بازارکار به لحاظ سال تحصیلی بر اساس آزمون کروسکال والیس.....۷۴
- جدول ۴-۱۹ میزان نگرش دانشجویان نسبت به راهکارهای ارتباط آموزش عالی و بازارکار به لحاظ معدل تحصیلی بر اساس آزمون آنووا.....۷۵
- جدول ۴-۲۰ میزان نگرش دانشجویان نسبت به چالش ها و راهکارهای ارتباط آموزش عالی و بازارکار به لحاظ معدل تحصیلی بر اساس آزمون کروسکال والیس.....۷۶

فهرست نمودارها

صفحه	عنوان
۳۵.....	نمودار ۱-۲ الگوی نظری و تحلیلی: عوامل مؤثر بر بیکاری دانش آموختگان دانشگاه‌ها.....
۴۱.....	نمودار ۲-۲ نحوه تعامل دانشگاه و صنعت.....
۵۸.....	نمودار ۲-۴ توزیع درصدی دانشجویان بر حسب سال تحصیلی.....
۵۹.....	نمودار ۳-۴ توزیع درصدی دانشجویان بر حسب معدل تحصیلی.....
۶۰.....	نمودار ۴-۴ توزیع درصدی دانشجویان بر حسب رشته تحصیلی.....

فصل اول

کلیات تحقیق

فصل اول

کلیات تحقیق

۱-۱- مقدمه

نظام آموزش عالی کشور به عنوان یکی از دو قطب تعلیم و تربیت در کشور ایران مسؤلیت تربیت نیروی انسانی متخصص و کارآمد مورد نیاز جامعه را در سطوح ورشته های مختلف به عهده دارد. بر اساس بررسی های به عمل آمده در زمینه چگونگی عملکرد نظام آموزش عالی می توان گفت که بنا به دلایل مختلف دستیابی به هدف فوق در سطح جامعه محقق نشده است. جذب فارغ التحصیلان دانشگاهها و مراکز آموزش عالی کشور در بازارکار منوط به داشتن تواناییها و ویژگی هایی است که بخشی از آنها می بایست در طول دوران تحصیل در دانشگاه ایجاد گردد. به نظر می رسد عدم تناسب بین فرآیندها و مواد آموزشی رشته های تحصیلی موجود در دانشگاهها با مهارت ها و توانایی های مورد نیاز بازارکار، مهم ترین عامل موفق نبودن فارغ التحصیلان در کارایی و اشتغال است. علاوه بر این، برخی از عوامل بیرونی که خارج از حوزه فعالیت و کنترل نظام آموزش عالی است نیز بر اشتغال فارغ التحصیلان تأثیر بسزایی دارند (نظری کتولی و رحمانی، ۱۳۸۳).

توسعه کمی و نامتوازن آموزش عالی کشور از یک سو و فقدان ظرفیت های مناسب برای جذب دانش آموختگان دانشگاهی از سوی دیگر، باعث شده تا فرصت های تشکیل سرمایه انسانی، ارتقای

بهره‌وری و افزایش رشد اقتصادی به تهدیدهای بحران‌زا و چالش برانگیز در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ناشی از بیکاری دانش‌آموختگان تبدیل شوند (موحدی و همکاران، ۱۳۸۹).

مسئله بیکاری جوانان از جمله مسائل مهم در برنامه‌ریزی‌های کلان کشور می‌باشد. هر چند نرخ بیکاری جوانان از آمارگیری‌های معمول نیروی کار قابل محاسبه است، ولی چالش‌های مربوط به اشتغال جوانان و مشکلاتی که آنها در ورود به بازارکار، به دست آوردن و حفظ کار مناسب با آن مواجه هستند از اطلاعات حاصل از آمارگیری‌های مذکور قابل بررسی نیست. از دیدگاه بسیاری از جوانان حاضر در نیروی کار، تحصیلات و آموزش‌های دریافت شده باعث تسهیل دستیابی به اشتغال نمی‌شود. از طرفی اکثریت قابل توجهی از کارفرمایان نیز سطح آموزش و تحصیلات جوانان و توانایی آنها در بکارگیری آموخته‌ها در محیط کار را نسبتاً "ضعیف ارزیابی نموده‌اند. این مشکل ناشی از عدم تعامل بین مؤسسات آموزشی و بازارکار می‌باشد که مانع از ملحوظ نمودن نیازهای بازارکار در محتوای سیستم آموزشی کشور می‌شود. علاوه بر این، وجود یک چنین تعاملی می‌تواند نقش مؤسسات محل تحصیل را در آگاهی جوانان از فرصت‌های شغلی موجود به میزان قابل توجهی افزایش دهد (هرندی و فلاح محسن خانی، ۱۳۸۶).

۱-۲- بیان مسأله پژوهشی

عبارت آموزش عالی در جوامع انسانی با انباشتگی علم، پژوهش و فرهنگ همراه است. آموزش عالی بالاترین و آخرین مرحله نظام آموزشی یا به عبارت دیگر رأس هرم آموزشی در هر کشور است. اهداف و نقش آموزش عالی در کشور، تربیت نیروی انسانی متخصص مورد نیاز جامعه، ترویج و ارتقای دانش، گسترش تحقیق و فراهم نمودن زمینه مساعد برای توسعه کشور است (مدهوشی و نیازی، ۱۳۸۹). نظام آموزش عالی مسئولیت کارکردهای مهمی را در جوامع بشری به عهده داشته و دارد. رشد و نهادینه کردن یادگیری در سرتاسر زندگی، حفظ و انتقال دانش بشری، ارتقای منزلت و ارزش تحقیق، کمک به استقلال و رشد عقلی افراد، فراهم کردن زمینه‌ی شکل‌گیری مهارت‌ها و صلاحیت‌های حرفه‌ای در افراد برای بازار کار و ارتقاء جایگاه جوامع در عرصه بین‌المللی از جمله‌ی این کارکردهاست (یمنی دوزی سرخابی، ۱۳۸۸، ص ۳۹۷). نقش اصلی آموزش عالی توسعه، حفظ کیفیت خود، تولید مهارت و آماده‌سازی نسل آینده می‌باشد (فاسینا تانچوانگ^۱، بی تا).

^۱fasina tanchuang

^۲adam smiths

^۳jonminard kinz

^۴alfered marshal

آموزش عالی بخش مهم و حائز اهمیتی است که دارای حوزه ی اثرگذاری بسیار وسیعی در دیگر نهادها و بخش های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه است. این نظام با تربیت تخصصی افراد، مدیران و رهبران جامعه و با رشد توانایی ها، نبوغ و پتانسیل فکری انسان در توسعه ی مرزهای دانش بشری، نقش بسیاری داشته است (عزیزی، ۱۳۸۷). توجه به نقش نظام آموزشی در پیشبرد برنامه های اقتصادی، به خصوص از حیث تأمین نیروی انسانی مناسب و مورد نیاز آن، از جمله دلایل ایجاد تغییرات متعدد در ساختار نظام های آموزشی بیشتر کشورهای جهان است. بررسی مختصر در این زمینه روشن کننده این نکته است که یکی از هدف ها و دلایل قوی برای انجام این اقدام، کاهش فاصله میان دو نظام آموزشی و اقتصادی است (عزیزی، ۱۳۸۲). مدت ها است که، اقتصاددانان کیفیت ارتباط بین آموزش و اقتصاد را به عنوان دو نهاد مهم اجتماعی مورد توجه قرار داده اند. در میان متقدمان آدام اسمیت^۱، جان مینارد کینز^۲، آلفرد مارشال^۳ واز میان متأخران، بکر^۴ و شولتز^۵ و همکارانشان در دهه ۱۹۵۰-۱۹۶۰ اهمیت نقش آموزش را در توسعه اقتصادی متذکر شده اند (عزیزی، ۱۳۷۷). در اقتصاد دانایی محور امروزی، مؤسسات آموزش عالی به عنوان مراکز توسعه نیروی انسانی نقش مهمی را در پیشرفت رشد اقتصادی کشورها ایفا می کنند (مهرگان و دهقان نیری، ۱۳۸۹). آموزش عالی از نقش و تأثیرگذاری اقتصادی مهمی برخوردار است، زیرا معرف نوع مهمی از سرمایه گذاری در منابع انسانی است که با فراهم کردن و ارتقای دانش، نگرش ها و مهارت های مورد نیاز کارکنان در زمینه های مختلف به توسعه اقتصادی کمک می کند (وودهاال^۶، ۱۹۹۲). بنابراین دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی از دو طریق به گونه ای کارآمد در بازسازی و توسعه موفقیت آمیز اقتصادی در بسیاری از جوامع توسعه یافته مشارکت کرده اند: اول؛ تربیت نیروی انسانی با کیفیت از نظر علمی و فنی و به تعداد لازم؛ دوم، ایجاد محیط و شرایط تحقیق و توسعه که پیشرفت پایداری را در توسعه صنعتی امکان پذیر می سازد (سینه^۷، ۱۹۹۶ به نقل از عزیزی، ۱۳۸۳). لذا از آنجاکه آموزش عالی افراد را با مهارت های تکنیکی و علمی مناسب تربیت و آماده می کند، یکی از عناصر کلیدی در پیوند بین دانش علمی و کاربردهای آن برای تحقق پیشرفتهای اقتصادی محسوب می شود (عزیزی، ۱۹۹۹ به

^۱ Adam smiths

^۲ John minard kinze

^۳ Alfered marshal

^۴ Baker

^۵ Shultze

^۶ Woodhall

^۷ Singh

نقل از عزیزی، ۱۳۸۳). تربیت نیروهای متخصص، ایجاد اشتغال و استفاده از خدمات آنان در زمره مشغولیت‌های مهم هر سیستم مدیریتی است. بدیهی است هنگامی که کسب مهارت و ایجاد تخصص‌های مختلف با نیازهای جامعه هماهنگ باشد از هدر رفتن منابع مالی و ایجاد روحیه ناامیدی در قشر جوان و فرهیخته جامعه که به عنوان سرمایه‌های توانمند و منابع انسانی مطرح هستند جلوگیری می‌گردد (ملکوتیان و پرورش، ۱۳۸۲). در کشور ایران، با داشتن جمعیت مستعد و منابع طبیعی فراوان، تولید ملی در سطح کمی بوده و جمعیت تحصیل‌کرده از اشتغال مولد چندان برخوردار نیست (شریف و همکاران، ۱۳۹۰). مسئله اشتغال در کلیه ممالک جهان بویژه در کشورهای جهان سوم، از جمله مسائلی مهمی است که بی توجهی به آن، تأثیرات نامطلوب در بافت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی خواهد گذاشت (میرزایی ملا احمد و همکاران، ۱۳۸۵). بیکاری قشر جوان و خصوصاً جوانان تحصیل‌کرده دانشگاهی یکی از معضلات کنونی و پیش روی جامعه است. به گونه ای که مطالعات تجربی بسیاری را به خود اختصاص داده و مباحث نظری فراوانی را برانگیخته است. مسئله مهم و قابل کند و کاو اینست که چرا سرمایه گذاری تحصیلی آن چنان که باید و شاید در دست یابی به شغلی متناسب و منطبق با تخصص و موفق مؤثر واقع نمی شود؟ چنین گفته می‌شود که با ورود انبوه جوانان به مقاطع تحصیلی دانشگاهی، امکان استفاده از توانایی آن‌ها در صحنه‌های مختلف اجتماعی و شغلی فراهم نیست و بالعکس حتی گاهی فرصت‌های تحصیلی خود به صورت مانعی اساسی بر سر راه اشتغال و استقلال اقتصادی جوانان ظاهر می‌شود (اعظم آزاده و دهقان دهنوی، ۱۳۸۷). از این رو دانشگاه‌ها هم باید به این نیاز عظیم اجتماعی پاسخ دهند و هم پاسخگوی نیازها و تقاضای صاحبان صنایع باشند. برای این منظور آنها باید به تولید دانش و روزآمد کردن آموزش‌های دانشگاهی در جهت کاربست این دانش‌ها با محور بودن زندگی و رفع نیازهای بخش‌های مختلف اقتصادی، صنعتی و کشاورزی تأکید نمایند. فاصله بین بخش صنعت و آموزش‌های دانشگاهی و عدم انطباق این آموزش‌ها با نیازهای جامعه و تقاضای اجتماعی، مشکلی اساسی است که سالیان متمادی بر آن تأکید شده است (اجتهادی و بهروزی، ۱۳۸۵). چندین دهه است که در کشور ما از ارتباط دانشگاه و صنعت صحبت به میان می‌آید، اما آنچه مسلم است و شواهد امر نیز گویاست تاکنون نتوانسته‌ایم ارتباط پویا و مثمرتری بین صنعت و دانشگاه برقرار نمائیم. بنابراین، در صورتی که عزم جدی در هر یک از ارکان فوق بوجود نیاید و اگر هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی جدی در این خصوص نداشته باشیم، در دهه‌های آتی نیز نخواهیم توانست از ثمرات ارتباط دانشگاه

و صنعت در جهت پویایی اقتصاد، فناوری‌های جدید، افزایش بهره‌وری و... بهره‌مند گردیم (فائض و شهابی، ۱۳۸۹). بنابراین، یکی از مهم‌ترین راه‌های این پیوند مهم و اتصال ضروری، آماده‌سازی و تربیت دانش‌آموزان و دانشجویان با مهارت‌ها، نگرش‌ها و قابلیت‌هایی است که حضور مؤثر و پیوسته آنان، برای به دست آوردن مشاغل موجود در جامعه را تضمین می‌کند (عزیزی، ۱۳۸۲). از این رو در پاسخ به این سؤال که چرا تلاش می‌شود تا فاصله میان نظام آموزشی و مراکز صنعتی کم شده و بین این دو پلی ارتباطی برقرار گردد؛ دو جواب قابل توجه وجود خواهد داشت: نخست، کاهش نرخ بیکاری جوانان تحصیلکرده و دیگر افزایش مزایای اقتصادی برای فرد و جامعه (بلاگ^۱، ۱۹۷۳؛ کارنوی^۲، ۱۹۷۷؛ یونسکو، ۱۹۹۱؛ به نقل از عزیزی، ۱۳۸۸).

بنابراین، با توجه به این موضوع که دانشگاه و صنعت از جمله سرنوشت‌سازترین نهادهای اجتماعی هر جامعه بویژه پس از انقلاب صنعتی به شمار می‌روند و دستیابی به توسعه بدون برقراری ارتباط مؤثر بین این دو نهاد امکان‌پذیر نخواهد بود، هدف ما در این پژوهش بررسی راهکارهایی برای نزدیک‌تر کردن و همچنین ارتباط بیشتر این دو نظام می‌باشد تا در آینده با شناخت و درک هر چه بیشتر این راهکارها بتوانیم آموزش‌های تخصصی را در دانشگاه‌ها با نیاز موجود در صنعت به یکدیگر نزدیک کنیم، زیرا با شناخت بیشتر و بهتر این راهکارهای ارتباطی، می‌توانیم فاصله‌ی بین مبانی علمی را با عمل نزدیک کرده و فرآیند و چرخه‌ی علم، فناوری و تولید را تکمیل نماییم.

۱-۳- اهمیت تحقیق

منابع انسانی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در توسعه هر جامعه به شمار می‌رود و در این راستا افراد تحصیل‌کرده و متخصص نقش مهم‌تری را بر عهده خواهند داشت. اشتغال دانش‌آموختگان یکی از مسائلی است که همواره مورد توجه برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران کشورهای مختلف بوده است. این توجه به لحاظ اهمیت بازارکار بعنوان مرکز ثقل اقتصادی و اجتماعی و هم به لحاظ نقش‌های اجتماعی می‌باشد که به افراد دانش‌آموخته برای نیل به اهداف توسعه کشور محول می‌شود. بیکاری دانش‌آموختگان یک معضل در جامعه کنونی به‌شمار می‌آید که هر روز جنبه حادث‌تری به‌خود می‌گیرد (ذوالفقاری، ۱۳۸۴).